

Twitter as a Public Sphere: The Role of Brokers in Lessening Persian Twitter's Polarisation (Case Study: General Soleimani's Assassination and the Crash of Ukrainian Jet)

Amir Mohamad Ghodsi *

M.A. in Social Communication Sciences,
Allameh Tabataba'i University, Tehran,
Iran

Seyed Jamal Akbarzadeh
Jahromi 

Assistant Professor, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Abstract

Although, the reasoned and open debate that results in the formation of public opinion is a defining feature of Habermas' notion of the public sphere. However, because of the clustering of people and their exposure to similar concepts and ideas, there will be less conversation and conflict of votes on Persian Twitter, and if there is, it will be illogical and reasoned. This study aims to discover and explore the distinctive traits and features of users who are scattered among the network's major poles and enable communication. We determined brokers' exact activities and utterances by optimizing centrality indicators and categorizing their tweets using a social media critical discourse analysis approach. Finally, after summarising and concluding, we demonstrated how the brokers' words and deeds parallel Habermas' theory of communicative action. We deduced that if the user applies the criteria suggested in the theory of communicative action, they will most likely function as a mediator or facilitator of communication in a distinct and unrelated cluster rather than in the midst of the communication stream, which is connected to other clusters.


Keywords: Broker, Public Sphere, Communication Action, Persian Twitter, Network Analysis.

* Corresponding Author: Amir_Ghodsi@atu.ac.ir


How to Cite: Ghodsi, A. M., Akbarzadeh Jahromi, S. J. (2022). Twitter as a Public Sphere: The Role of Brokers in Lessening Persian Twitter's Polarisation (Case Study: General Soleimani's Assassination and the Crash of Ukrainian Jet), *Journal of New Media Studies*, 8(31), 1-46.

تویتر به مثابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی تویتر فارسی (مورد مطالعه: ترور سردار سلیمانی و سقوط هواپیمای اوکراینی)

کارشناس ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه
 طباطبائی، تهران، ایران

امیر محمد قدسی * 

استادیار رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی،
 تهران، ایران

سید جمال‌الدین اکبرزاده جهرمی 

چکیده

اگرچه، گفت‌وگو و مباحثه مستدل و آزادانه که به شکل‌گیری افکار عمومی بینجامد، مشخصه نظریه حوزه عمومی هابرماس است؛ اما در تویتر فارسی به علت خوشه‌ای شدن کاربران و مواجهه آن‌ها با افکار و عقاید مشابه، گفت‌وگو و تضارب آرا کمتر پدید خواهد آمد. هدف از انجام این پژوهش شناسایی و بررسی ویژگی‌ها و مشخصه‌های منحصر به فرد کاربرانی است که در میان قطب‌های اصلی شبکه تویتر فارسی توزیع شده و کار تسهیل‌گری ارتباط و فراهم آوردن زمینه گفت‌وگو میان قطب‌های شبکه را انجام می‌دهند. برای تحقق این هدف ابتدا از طریق بهینه‌سازی معیارهای مرکزیت، واسطه‌گران (بروکرها) را شناسایی و سپس با کدگذاری توییت‌های آنان براساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی، کردارها و گفتارهای خاص آن‌ها را تعیین نمودیم. در پایان و در بخش نتیجه‌گیری، تشابه گفتارها و کردارهای بروکرها را با نظریه کنش ارتباطی هابرماس نشان‌دهنده و استنباط نمودیم، کاربرانی ویژگی‌های مدنظر نظریه کنش ارتباطی را دارا هستند که در میانه جریان ارتباطی و مرتبط با سایر خوشه‌ها قرار دارند و در قامت واسطه‌گر یا تسهیل‌گر ارتباطی ظاهر می‌شوند، نه آن‌هایی که در خوشه‌های مجزا و بدون ارتباط با دیگر بخش‌های شبکه قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: بروکر، حوزه عمومی، کنش ارتباطی، تویتر فارسی، تحلیل شبکه.

* نویسنده مسئول: Amir_Ghods@atu.ac.ir

مقدمه

در مورد نقش رسانه‌ها و دموکراسی در عصر جدید می‌توان به اندیشه‌های هابرماس رجوع کرد. هابرماس در نظریات خود، نسبت به توانایی رسانه در انتقال اطلاعات و تقویت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها تأکید فراوان دارد و آن را لازمه شکل‌گیری حوزه عمومی و متعاقباً دموکراسی مشورتی^۱ می‌پندارد؛ مدلی که در آن مشورت، منبع اصلی مشروعیت قانون است (Habermas, 2006). پس از تولد رسانه‌های اجتماعی، علی‌رغم خوش‌بینی‌های اولیه نسبت به ظرفیت‌های این فناوری در رهایی از کنترل و نظارت دولت‌ها، تسهیل مواجهه کاربران با عقاید و افکار گوناگون و همچنین مباحثه مردم پیرامون موضوعات مختلف، این نگرانی در حال افزایش است که رسانه‌ها به علت آنچه «هموفیلی^۲» نامیده می‌شود، «قطبیدگی سیاسی^۳» را افزایش می‌دهند و آرمان دموکراسی مشورتی که متکی به جامعه‌ای کاملاً آگاه و اکوسیستمی سالم از ایده‌های رقابتی است را با چالش دچار می‌سازند (Bail et al., 2018).

پژوهش‌های متعددی در ایران و جهان نشان می‌دهند، شبکه ریتوییت استخراج‌شده از توییت‌های کاربران در رخدادهای سیاسی و اجتماعی به صورت جزیره‌ای درآمده و هواداران گروه‌های فکری در خوشه‌هایی که از آن با نام «اتاق پژواک^۴» یاد می‌شود، در نزدیکی هم‌فکران و به‌دوراز مخالفان خود قرار می‌گیرند (Conover et al., 2013, Khazraee, 2019). شبکه منش‌ن نیز اگرچه برخلاف شبکه ریتوییت در اکثر مواقع همگون و درهم‌تنیده است و شرایطی را برای قرارگیری کاربر در معرض پیام مباین با اندیشه‌هایش ایجاد می‌کند اما بررسی‌های دقیق‌تر حاکی از آن است که در بیشتر مواقع، تعامل ایجادشده در شبکه منش‌ن به سبب تزریق محتوای حزبی از سوی کاربران بانگیزه و با نیت تهاجم به دیدگاه مخالف صورت می‌پذیرد و نه به منظور مفاهمه (Conover et al., 2013).

1. Deliberative Democracy

2. Homophily

هموفیلی، اصلی است که نشان می‌دهد ارتباط میان افراد مشابه با نرخ بالاتری نسبت به افراد غیرمشابه اتفاق می‌افتد.

3. Political Polarization

4. Echo Chamber

در رابطه با مواجهه نگرش‌های متضاد با یکدیگر و تأثیر آن در قطبیدگی سیاسی، دو نگاه متفاوت وجود دارد. متفکران نگاه اول، تأکید می‌کنند، تماس بین گروه‌های مخالف می‌تواند اختلافات و کلیشه‌هایی که در غیاب تعامل مثبت، ایجاد شده را کاهش داده و به دنبال آن مصالحه سیاسی را افزایش دهد. در نگاه دوم که مبتنی بر موج جدیدتری از مطالعات است، بر این نکته تأکید می‌شود که قرار گرفتن در معرض افرادی که دارای دیدگاه‌های سیاسی مخالف هستند، ممکن است اثرات معکوس ایجاد کند و در پی پافشاری کاربران بر عقیده قبلی خود، قطبیدگی سیاسی تشدید شود (Bail et al., 2018). در تأیید موضع دوم، برخی مطالعات نشان می‌دهند، تصحیح اخبار و نگرش‌های نادرست از طریق ارائه اخبار صحیح، نه تنها برای کاهش سوءبرداشت‌ها مفید نیست، بلکه حتی ممکن است سوءبرداشت‌ها را در گروه‌های ایدئولوژیک افزایش دهد (ShuKai et al., 2017).

از آنجا که شواهد قابل توجهی برای رد یا تأیید هر دو رویکرد مذکور وجود دارد، تلاش‌ها برای کاهش قطبیدگی سیاسی در رسانه‌های اجتماعی نیاز به بررسی و مطالعه انواع پیام‌ها، کردارها یا موقعیت‌هایی موضوعی دارد که به حسب ویژگی‌های آن‌ها، ممکن است قطبیدگی سیاسی کاهش یافته و یا شرایطی ایجاد شده که در آن، اثر معکوس رخ داده و برخلاف انتظار، قطبیدگی سیاسی افزایش یابد. لازم به ذکر است، عمده مطالعاتی که تأثیر کنش کاربران را در قطبیدگی سیاسی و به دنبال آن حوزه عمومی مورد بررسی قرار داده، بر رهبران افکار به‌عنوان مؤثران هر خوشه تمرکز داشته و کمتر نقش واسطه‌گران (بروکرها) را مورد کاوش قرار داده است (Bail et al., 2018). منظور از رهبران افکار، کاربرانی هستند که در یک خوشه، مورد اقبال کاربران همان خوشه قرار دارند و توییت‌های آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد اما بروکرها، کاربرانی هستند که مانند یک پل میان قطب‌های اصلی شبکه قرار می‌گیرند و برقراری ارتباط میان خوشه‌ها را تسهیل می‌کنند.

به دنبال اتفاقات حین و پس از ترور شهید سلیمانی که از آن به «دو هفته پرماجرا و استثنایی» یاد شده است، موجی در توییتر آغاز شد که نسبت به وقایع این دو هفته

تویتر به مثابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۵

واکنش‌های سریع و متفاوتی را از خود بروز داد. در این پژوهش در وهله اول نشان می‌دهیم، این رویدادها چطور به کاهش یا افزایش قطبیدگی سیاسی در تویتر فارسی کمک نموده‌اند و در ادامه مطالعه تمایزهای گفتمانی و کرداری واسطه‌گران (بروکرها) را در دستور کار خود قرار داده تا دریابیم اتخاذ چه ویژگی‌هایی می‌تواند بر کاهش یا افزایش قطبیدگی در تویتر فارسی به منزله تعیینی از افکار عمومی ایران مؤثر باشد.

سؤالات تحقیق

- همگان‌های شبکه‌ای در تویتر فارسی در خلال حوادث دی‌ماه ۹۸ چگونه ساختار یافته‌اند؟ قطبیدگی شبکه بعد از ترور سردار سلیمانی چه تفاوتی با بعد از سقوط هواپیما دارد؟
- کدام کاربران در هر خوشه نقش رهبران افکار یا کنشگران اصلی خوشه را دارند؟ و کدام کاربران نقش بروکر را در شبکه دارند؟
- شکل‌دهی افکار عمومی چگونه توسط بروکرها اجرا می‌شود، چه ویژگی‌هایی دارد و چه تفاوتی با رهبران افکار می‌کند؟

پیشینه پژوهش

تویتر به مثابه حوزه عمومی

روند تحولی که هابرماس در انتقال از قهوه‌خانه‌ها به رسانه‌های جمعی شناسایی کرد نه تنها متوقف نشده بلکه فراتر از عصر رسانه‌های جمعی ادامه یافته است. با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های هابرماس، بدیهی است که در عصر رسانه‌های معاصر می‌توان به مدل او نقد وارد نمود. مهم‌تر از همه تمرکز صریح این مدل بر نخبگان جامعه به جای شهروندان عادی است که لزوماً بر شرایط رسانه‌های معاصر منطبق نیست. ظهور رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان فضایی برای ارتباط بیشتر، سریع‌تر و حتی متنوع‌تر برای انتشار و بحث در مورد اخبار و امور عمومی منجر به افزایش پیچیدگی محیط رسانه‌ای معاصر شده است. این امر باعث شده است تا حوزه‌های عمومی منحصر به فرد در سطح ملی که ممکن است در شبکه جهانی

جریان اطلاعات وجود داشته باشند، با همدیگر ادغام شوند. در این شرایط لازم است تا این پرسش را طرح نماییم که آیا اساساً می‌توان مفهوم حوزه عمومی را به توییت‌ها اطلاق نمود یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است تا مشخصه‌های گوناگونی از جمله اقتصاد پلتفرم، ویژگی‌های داخلی پلتفرم، دسترسی به شبکه اجتماعی، نظارت بر آن و برخی دیگر از خصوصیت‌هایی که هابرماس در پروژه خود به آن‌ها توجه نموده بود را برای شبکه اجتماعی توییت نیز بررسی کنیم.

قابلیت‌های پلتفرم توییت: تحقیقات نشان داده است، هشتگ‌ها برای مشارکت توییتی در زمان اخبار فوری، اهمیت زیادی دارند. هشتگ‌ها همچنین کاربران را قادر می‌سازند تا پیرامون موضوعات مشترک موردعلاقه گردهم آیند یا به فعالیت‌های مشترک مخاطبان بپردازند (Highfield et al., 2013). زاپاویگنا (۲۰۱۱) اذعان می‌کند هشتگ، زبان را قابل جست‌وجو کرده و استفاده آن می‌تواند به منظور افزایش جست‌وجوپذیری توییت تلقی شود. درعین حال تریمینیا (۲۰۱۴) کارکرد دیگری را نیز برای هشتگ شناسایی کرده است و در پژوهش خود بر نقش کاربرانی که صرفاً با منشن نمودن و هشتگ‌گذاری (بدون هیچ متنی) در پی آگاه کردن سایر افراد شبکه از جنبش مدنظر بوده‌اند، تأکید می‌کند (Tremayne, 2014).

در فرایند شکل‌گیری ساختار شبکه‌های اجتماعی، باگذشت زمان خوشه‌هایی در اطراف مضامین مشترک می‌شود که جریان اطلاعات و ارتباطات را در شبکه تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال در توییت از طریق ریتوییت پیام‌ها از یک حساب به حساب دیگر، کاربران می‌توانند پیام‌های عمومی ارسال شده توسط یکی از حساب‌هایی که دنبال می‌کنند را از طریق بازنشر دقیق همان کلمات یا با تفسیر اضافه‌شده (کوت)، به شبکه پیروان خود ارسال کنند. مواردی که در بالا مرور شد، اشکال جدیدی از ارتباطات را در شبکه اجتماعی توییت توضیح می‌دهد که بررسی آن‌ها برای اثبات ظرفیت‌های شبکه توییت به‌عنوان حوزه عمومی لازم است.

تویتر به مثابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۷

اقتصاد تویتر: هابرماس تأکید می‌کند که حوزه عمومی فقط حوزه ارتباطات سیاسی عمومی نیست، بلکه حوزه‌ای فارغ از سانسور دولت و مالکیت خصوصی است. به علاوه، تصریح می‌کند، منطق حوزه عمومی مستقل از قدرت اقتصادی و سیاسی است (Fuchs, 2014). نگرانی اصلی هابرماس در مورد تبلیغات این است که تبلیغات می‌تواند نقش سیاست‌زدا در میان عموم داشته باشد. تبدیل داده‌های کاربر به کالای خصوصی که توسط شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی کنترل می‌شود با کمک سیاست‌های حفظ حریم خصوصی قانونی می‌شود (Habermas, 1991). برای مثال در سیاست‌های تویتر آمده است: «وقتی از تویتر برای دنبال کردن، توییت کردن، جستجو یا تعامل استفاده می‌کنید، ممکن است از این اقدامات برای تبلیغات استفاده کنیم.» گوگل، فیس بوک، تویتر، ویو، پین تر است و اینستاگرام از پرکاربردترین رسانه‌های اجتماعی در جهان هستند که همه آن‌ها شرکت‌های انتفاعی می‌باشند. آن‌ها فقط شرکت‌های ارتباطی نیستند، بلکه آژانس‌های تبلیغاتی بزرگی نیز هستند. همه آن‌ها آگهی‌های هدفمند را می‌فروشند و حق تجارت کالاهای اطلاعات خصوصی، نیمه عمومی و عمومی کاربران را برای این منظور در سیاست‌های حفظ حریم خصوصی خود تضمین می‌کنند. تویتر با ارائه گزینه انصراف از این حق تا حدودی خود را محدود می‌کند و به کاربران امکان می‌دهد تبلیغات نمایش داده شده بر اساس اطلاعات به اشتراک گذاشته با سایر شرکای تجاری تویتر نباشد (Fuchs, 2014).

دسترسی به تویتر: اگرچه همه مردم به اینترنت دسترسی ندارند؛ با این حال، پیوستن به رسانه‌های اجتماعی رایگان است. البته در همین شرایط هم برای برخی از افراد خرید یک دستگاه با قابلیت اتصال به اینترنت و یا تهیه نمودن اشتراک اینترنتی هزینه زیادی دارد. پژوهشگران بر این باورند که درحالی که اینترنت و فن‌آوری‌های دیجیتال اطراف آن فضای عمومی را فراهم می‌کنند، اما لزوماً حوزه عمومی را شکل نمی‌دهند. به همین ترتیب برخی معتقدند دسترسی بیشتر به اطلاعات که توسط رسانه‌های آنلاین تسهیل می‌شود، مستقیماً منجر به افزایش مشارکت سیاسی، یا مشارکت مدنی بیشتر نمی‌شود (Kruse et al., 2017).

نظارت در توییتر: نظارت باعث محدودیت می‌شود. از آنجا که نظارت در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد، این شبکه‌ها به دلیل نظارت و مشاهده شدن توسط دیگران از جمله دوستان، خانواده، کارفرمایان، پلیس و نهادهای دولتی احتمالاً فضاهایی هستند که رفتار در آن‌ها محدود می‌شود. این نظارت، آزادی را که کاربران در استفاده از سایت برای تبادل نظر معنی‌دار و آزاد ایده‌ها احساس می‌کنند، محدود می‌کند. در عوض، ممکن است کاربران از ترس آزار و اذیت آنلاین و تأثیر بالقوه‌ای که بر اشتغال یا روابط آن‌ها با خانواده و دوستانشان دارد، از اظهار نظر صادقانه در مورد گرایش‌های سیاسی خود مردد باشند (Kruse et al., 2017).

توییتر و الگوریتم: الگوریتم‌ها بر اساس آنچه روی آن کلیک می‌کنیم، آنچه را که می‌خواهیم ببینیم و یا این که با چه کسی قصد داریم تعامل برقرار کنیم را پیش‌بینی خواهند کرد. این فیلترها، معمولاً مانع از این می‌شوند که افراد نقطه نظرات مخالف یا اطلاعات متنوع درباره موضوعات خاص را مشاهده کنند، زیرا الگوریتم‌ها اطلاعات را مطابق با جست‌وجو و مشاهده پیشینی کاربران اولویت‌بندی می‌کنند (Kruse et al., 2017).

توییتر و مبارزه زیر لحاف: مبارزه از زیر لحاف^۱ یا مبارزه از زیر پتو، واژه‌ای تحقیرآمیز در وصف فعالیت‌های اجتماعی مجازی‌ای است که به فرد احساس رضایت کاذب انجام عملی مثبت را می‌دهند، درحالی‌که تأثیر واقعی آن کار هیچ یا بسیار ناچیز است. برخی محققان استدلال می‌کنند که بعضی رسانه‌ها، مانند تلویزیون، بینندگان فوق‌العاده اشباع با اطلاعات سیاسی می‌سازند و در نتیجه این هیاهو به جای دخالت واقعی مدنی، در بینندگان احساس فعالیت سیاسی ایجاد می‌شود و آن‌ها فکر می‌کنند که کنش سیاسی انجام داده‌اند. یا ممکن است از کاربران خواسته شود تا در یک نظرسنجی، موافقت یا مخالفت خود را با گزینه‌های پیش رو مطرح کنند؛ در این شرایط که گزینه‌های پاسخ‌گویی محدود شده است، مشورت و مباحثه درباره امور عمومی در حوزه عمومی به تعویق

1. Slacktivism

می‌افتد (Christensen, 2011; Glenn, 2015).

تویتر و نارسسیم: برخی پژوهشگران معتقدند پس از انقلاب صنعتی میل انسان برای کنترل محیط خود، خودمختاری^۱ و نیاز به زیر سؤال بردن اقتدارهای^۲ پیرامون خود تشدید شده است. خودشیفتگی^۳ به عنوان تمایلی برای خود تعریف می‌شود که در آن خود، خود راهبر است، اما انگیزه خودخواهانه ندارد. خودشیفتگی در اینجا برای درک نیت‌هایی که در فضای رسانه‌های اجتماعی رخ می‌دهد و قرار دادن این گرایش‌ها در بافت تاریخی استفاده می‌شود نه به معنای بیماری و اختلال. برخی از افکار سیاسی بیان‌شده در میکروبلگ‌هایی نظیر تویتر از این نظر خودشیفته محورند زیرا نه با هدف صریح مشارکت در یک حوزه عمومی یا افزایش تعاملات مدنی بلکه با نیت اظهار وجود یا جلب توجه بیان می‌شوند (Papacharissi et al., 2009). باین‌حال نباید از تأثیرات بعضاً زیاد این نوع محتوا بر افکار عمومی و یا رسانه‌های جریان اصلی غفلت نمود. به همین ترتیب در بسیاری از موارد همین خودشیفتگی در پدیدار شدن بلاگ‌ها و صفحات عمومی متنوع به طرز خاصی به چندصدایی و دموکراتیک شدن فضا کمک می‌کند.

تویتر و گمنامی: رسانه‌های آنلاین بستری را مهیا می‌کنند که می‌تواند مکالمات و مباحثات را از مرزهای جغرافیایی عبور دهد. آن‌ها همچنین امکان گمنامی^۴ نسبی در بیان شخصی را فراهم می‌کنند که می‌تواند منجر به قدرتمند شدن و بی‌پروا شدن افکار عمومی شود و ترس از نهادهای نظارتی را کاهش دهد. البته برخی محققان نظر متفاوتی دارند و بر این باورند که امکان گمنامی، احساس مسئولیت نسبت به رعایت ادب و احترام در گفت‌وگو را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و باعث می‌شود مباحثات در شبکه‌های اجتماعی با بی‌ادبی بیشتری نسبت به ارتباطات میان‌فردی دنبال شود که این خود تضعیف‌کننده شکل‌گیری حوزه عمومی در این شبکه‌هاست (Peddinti et al., 2017).

-
1. Autonomy
 2. Authority
 3. Narcissism
 4. Anonymity

توییت‌ر و قطبیدگی: همان‌طور که توسط برخی محققان نشان داده شده است، افراد در گروه‌های سیاسی بیشتر در معرض محتوای همگن و یکدست قرار می‌گیرند. در رسانه‌های اجتماعی، رهبران افکار تمایل دارند عقاید همگن را در درون گروه‌های قطبی شده، تقویت کنند (Recuero et al., 2019). مفهوم اتاق پژواک، همان‌طور که توسط سانستین (۲۰۰۱) پیشنهاد شده، تأکید دارد که در داخل این گروه‌های بسیار بسته، افراد تمایل دارند فقط با محتوای همفکر در ارتباط باشند در این فرایند، افراد تشویق می‌شوند تا با دیگرانی که از برخی وجوه مشابه هستند، ارتباط برقرار کنند و لذا این گروه‌ها نسبت به انواع مختلف اطلاعات، کمتر باز هستند. چندپارگی در بحث‌های ایجاد شده از طریق این روند ممکن است به حوزه عمومی آسیب برساند. به‌عنوان مثال برخی از پژوهشگران «جمعیت قطبیده»^۱ را به‌عنوان یک ساختار رایج در شبکه توییت‌ر شناسایی کردند. ویژگی این ساختار، وجود دو گروه است که ارتباط کمی بین آن‌ها وجود دارد. این ساختار دوقطبی، فضایی را ایجاد می‌کند که نتیجه‌گیری‌های مغرضانه^۲ بیشتر احتمال دارد تا توسط سایر کاربران تأیید و تقویت شوند (Recuero et al., 2019). به‌علاوه، فقدان «پل» در میان دو قطب شبکه، منجر به ایجاد گروه‌های رادیکالی خواهد شد که از شکل‌گیری یک حوزه عمومی مناسب جلوگیری می‌کنند (Papacharissi & de Fatima Oliveira, 2012).

به‌طور کلی، جمع‌بندی تحقیقات متعدد نشان می‌دهد، سه رویکرد اصلی در باب رابطه توییت‌ر و حوزه عمومی وجود دارد. رویکرد خوش‌بینانه که توییت‌ر را علی‌رغم برخی کاستی‌ها، مصداقی از حوزه عمومی هابرماس در صورت‌بندی جدید آن می‌داند؛ رویکرد بدبینانه که نقاط ضعف توییت‌ر را برجسته کرده و نه تنها آن را حوزه عمومی نمی‌داند بلکه آن را تشدیدکننده گفت‌وگوهای چندپاره، حزبی و در برخی موارد بازتولیدگر نابرابری‌های جنسیتی و اقتصادی می‌داند. در این بین اما رویکرد معتدلی نیز وجود دارد که بر اساس آن، نگاه صفر و یکی به حوزه عمومی مردود است و باید این مفهوم را به‌مثابه پیوستاری در نظر گرفت که منتهی‌الیه آن حوزه عمومی هابرماس قرار دارد و هر رسانه بر

1. Polarized Crowds
2. Biased Conclusions

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۱۱

اساس فاصله خود تا حوزه عمومی ایده‌آل رتبه‌بندی می‌شود. اگر این نگاه را بپذیریم، تویتر به‌عنوان بستری که گزینه‌های بیشتری برای حفظ حریم خصوصی کاربران به آن‌ها ارائه می‌کند و مباحث سیاسی و انتقادی بیشتر در آن مطرح می‌شود، نسبت به سایر رسانه‌های اجتماعی وضعیت بهتری به لحاظ نزدیک بودن به ایده حوزه عمومی هابرماسی دارد.

بروکر و نقش آن در کاهش قطبیدگی

در سیاست، قطبیدگی فرایندی است که طی آن، نظرات سیاسی به سمت واگرایی رفته و در نهایت به افراط‌گری ایدئولوژیکی می‌انجامد. در اکثر حکومت‌های دو حزبی، قطبیدگی سیاسی، مظهر تنش ایدئولوژی‌ها و هویت‌های آن دو حزب است. در اثر قطبیدگی، معمولاً صدای میانه‌روها کمتر شنیده‌شده و مورد توجه قرار می‌گیرد و میدان برای تندروها فراهم‌تر می‌شود. قطبیدگی در عین حال که می‌تواند طبیعی و دموکراتیک باشد، ممکن است در طولانی مدت تأثیرات سو و مخرب داشته باشد و در کارکردهای اساسی دموکراسی اختلال ایجاد کند (Baldassarri & Gelman, 2015). هنگامی که قطبیدگی به شکلی مخرب ادامه می‌یابد، مردم، سیاست را در قالب «ما» در مقابل «دیگری» درک می‌کنند. محققان هشدار داده‌اند که قطبیدگی مخرب، خود را تقویت می‌کند و کشور را به سوی یک مارپیچ عصبانیت و تفرقه می‌کشاند که هیچ راه آسانی برای جبران آن وجود ندارد (Carmines et al., 2012). کلاهی (۱۳۹۸) اذعان می‌کند در وضعیتی که دو قطبی مخرب ایجاد شود، میان دو قطب مخالف گفت‌وگویی در نمی‌گیرد و اگر شکلی از گفت‌وگو به وجود آید، پرخاشگرانه خواهد بود و طرفین حرف یکدیگر را نمی‌شنوند.

جکسون و ولز در تحقیق خود نشان داده‌اند، بروکرها به‌جای ساختن روایت‌های بدیع، محتوای تولیدشده توسط رهبران افکار یا تولیدشده توسط یکدیگر را ریتوییت می‌کنند و صرفاً پیام‌های تشویق‌کننده یا جزئیات مفهومی به آن اضافه می‌کنند. چیزی که آن‌ها را از سایرین متمایز می‌کند، مشارکت مکرر آن‌ها با سایر کاربرانی است که درباره واقعه، محتوا منتشر می‌کنند و می‌تواند شامل کاربران مخالف خود نیز شود. بروکرها از

طریق ریتوییت کردن، به اشتراک گذاری و ارتقا حساب‌های دیگر در کنار مکالمات خود، پُلی، میان قطب‌های یک شبکه می‌سازند. به این معنی که این کاربران در وهله اول از طریق ریتوییت و اضافه کردن افکار و تفسیرهای خود به آن درصدد ایجاد درک متقابل از محتوایی هستند که آن را توییت یا ریتوییت نموده‌اند (Welles & Jackson, 2019)؛ و در مراتب بعدی از طریق به کارگیری برخی استراتژی‌های زبانی یا کردارهای شبکه‌ای، دانسته یا ندانسته به کاهش اثرات مخرب دو قطبی در شبکه کمک می‌کنند.

«بروکر» ها نقش دروازه‌بانی را در شبکه ایفا می‌کنند و با کار گفتمانی خود، عدم توافق و فهم مشترک میان گروه‌ها را برطرف کرده و مانع از قطبیدگی شبکه می‌شوند؛ اما برخی بروکرها که به آن‌ها «استوکر» یا سوخت‌رسان گفته می‌شود در یک خوشه قرار گرفته و از طریق تعداد زیاد ریتوییت‌هایی که انجام می‌دهند کاربران یک خوشه را به یکدیگر متصل می‌کنند و درواقع نقش سوخت‌رسان را برای تداوم قطبیدگی شبکه ایفا می‌کنند (Welles & Jackson, 2019).

روش

روش تحلیل ما در این مقاله ترکیبی از تحلیل شبکه اجتماعی در مقیاس کلان برای شناسایی ساختار شکل‌گیری شبکه و تحلیل گفتمان شبکه‌های اجتماعی استراتژی‌های زبانی استفاده‌شده و کردارهای شبکه‌ای انجام‌گرفته توسط کاربران به‌منظور درک بهتر روابط قدرت در شبکه توییت است. در این بخش ابتدا نمونه تحقیق و سپس شیوه تحلیل توییت‌های توییت را تشریح می‌کنیم.

گردآوری داده‌ها

از آنجاکه از زمان حوادث دی‌ماه ۹۸، ماه‌ها پیش از تاریخ انجام این پژوهش است، دسترسی رایگان به داده‌های توییت از طریق API^۱ این شبکه به‌صورت رایگان ناممکن بود. در این شرایط ما تصمیم گرفتیم تا داده‌ها را از شرکت خصوصی «لایف وب» که در زمینه

1. Application Programming Interface Method

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۱۳

استخراج و تحلیل داده‌های شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کند، دریافت کنیم. برای دریافت داده‌ها نیاز به ارائه لیستی از کلیدواژه‌هایی بود که در دوره زمانی مذکور کاربرد زیادی داشته‌اند. لذا پس از آماده‌سازی لیستی بالغ بر ۱۲۰ کلیدواژه و هشتگ پرکاربرد در دوره زمانی موردنظر، تعداد ۵۰۰ هزار توییت به‌طور تصادفی جمع‌آوری و استخراج شد. لیست موردبحث متشکل از هشتگ‌ها و کلیدواژه‌ها با املاهای متفاوت، زبان‌های متفاوت و استفاده آن نزد افراد با عقاید گوناگون است.

تحلیل شبکه

در تحلیل شبکه داده‌های تویتر، تمرکز ما بر شبکه ریتوییت و منشن به‌عنوان شبکه انتشار اطلاعات بود، چرا که ریتوییت و منشن به کاربران عادی اجازه می‌دهد تا به‌عنوان دروازه‌بان عمل کنند و با کردارهایی نظیر فیلتر کردن و برجسته‌سازی، قالب‌های اختصاصی خود از وقایع را برای طیف وسیع‌تری از مخاطبان مهیا سازند. به‌علاوه، برای بررسی کردارهای شبکه‌ای بروکرها در مواقع پاسخ‌گویی و مکالمه با مخاطبان خود و همچنین در زمان‌هایی که کاربران دیگری را مورد خطاب قرار می‌دهند، نیاز بود تا منشن هم در کنار ریتوییت بررسی شود (Welles & Jackson, 2019)؛ بنابراین، ابتدا پس از پالایش داده‌ها، شبکه ریتوییت و منشن را استخراج کردیم. پس از استخراج شبکه، با اجرای الگوریتم شناسایی اجتماعات بر اساس شاخص ماژولاریتی، خوشه‌های موجود در شبکه را شناسایی نمودیم و از میان ۳۵۱۶ خوشه منحصربه‌فرد، پنج خوشه اصلی که هرکدام حداقل بیش از چهار درصد از کل شبکه را در بر گرفته‌اند، برای تحلیل‌های بیشتر استخراج نمودیم. به دلیل حجم پایین خوشه‌های دیگر، آن‌ها را از تحلیل‌ها کنار گذاشتیم زیرا تمرکز بر این پنج خوشه، محتوای مسلط در شبکه را نشان می‌دهد (Blondel et al., 2008).

رهبران افکار و بروکرها

در ادامه، پرنفوذترین کاربران در هر همگان شبکه‌ای را بر اساس شاخص PageRank شناسایی کردیم (Easley & Kleinberg, 2010). این کاربران، افرادی هستند که

تویتهای آن‌ها، بیشترین گردش را در کل شبکه داشته است. پس از انتخاب خوشه‌هایی که سهم اصلی را در شبکه دارند، براساس معیار PageRank، ۱۰ حساب کاربری برتر را در هر خوشه شناسایی نمودیم. علاوه بر رهبران افکار که با استفاده از سنج‌های پیج‌رنک یا Indegree شناسایی می‌شوند نقش‌های دیگری را نیز می‌توان بر اساس سنج‌های دیگر شبکه تعریف نمود. در مطالعات اخیر، برخی از پژوهشگران، کاربرانی را که واجد معیار «بینیت» بالایی در شبکه باشند را بروکر یا استوکر نامیده‌اند.

با توجه به هدف ما در یافتن بروکرها، در ابتدا از سنج بینیت در پیدا کردن کاربرانی که قسمت‌های مختلفی از شبکه را به هم متصل کرده‌اند کمک گرفتیم. ما پس از به‌دست آوردن مقدار بینیت برای همه نودهای شبکه و استخراج حساب‌های کاربری که بیشترین مقدار بینیت را دارند، متوجه شدیم این نودها، کاربران غیر مشهور و ناشناسی هستند که صرفاً به دلیل متصل نمودن چند نود تنها به شبکه مستحق دریافت بیشترین مقدار بینیت در کل شبکه شده‌اند. در واقع دلیل این امر آن است که نودهای تنها صرفاً می‌توانند از مسیر نودهای ناشناس به کل شبکه متصل شوند و به همین سبب باعث افزایش سنج بینیت در این نودها می‌شوند.

بدین ترتیب ما برای آن که بتوانیم به نودهایی دست یابیم که علاوه بر نقش متصل کردن قطب‌ها، نودهای مؤثر و مورد توجه کاربران بسیاری نیز باشند، نیاز به معیار جدید داشتیم. در ابتدا به سراغ معیار «Bridgeness» رفتیم، اما این معیار نیز، عمدتاً نودهایی را معرفی می‌نمود که کار واسطه‌گری را میان قطب‌های مشابه و مجاور انجام می‌دادند و نه تنها قطبیدگی را کاهش نمی‌دادند بلکه با تقویت موضع مشابه خود، دوقطبی را در کل شبکه افزایش می‌دهند. ما در مرحله بعد سعی کردیم، توأمان از معیار پیج‌رنک برای شناخت مؤثرین شبکه و از معیار بینیت برای یافتن واسطه‌ها استفاده کنیم. در واقع نیاز داشتیم تا از هر دو معیار هم‌زمان استفاده کنیم تا بتوانیم مؤثرترین واسطه‌ها را در کل شبکه بیابیم.

شبکه‌نمایی در این پژوهش به صورت دمبلی شکل درآمده و به نوعی دو قطب اصلی در سمت چپ و راست و یک میله میانی قابل مشاهده بود. با توجه به این که هدف ما از

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۱۵

این تحقیق یافتن کاربرانی است که قطبیت شبکه را کاهش می‌دهند، لذا خوشه یا خوشه‌های میله‌ای شکل که در میان قطب‌های اصلی قرار گرفته است، محل قرارگیری واسطه‌ها است. علت این که این خوشه به حالت میله در آمده است، رفتار کاربران این خوشه در تأیید محتوای قطب‌های گوناگون شبکه است. به همین سبب محل قرارگیری کاربرانی که نقش واسطه بین دو قطب را دارند را می‌توان در این خوشه جست‌وجو کرد.

در مرحله بعد، معیار بینیت و پیچ‌رنک را برای همه کاربران در محدوده ۰ و ۱ نرمال نمودیم و هدف خود را بهینه‌سازی این دو معیار برای هر کاربر قرار دادیم. برای رسیدن به این هدف مقدار بینیت و پیچ‌رنک را بر هر کاربر در هم ضرب و نتیجه حاصل را از بزرگ به کوچک مرتب کردیم. ما با انجام این بهینه‌سازی، توانستیم به مؤثرترین واسطه‌های شبکه دست یابیم.

کدگذاری

ما پس از شناسایی رهبران افکار هر خوشه و بروکرهای خوشه میانی، آن‌ها را بر اساس تحقیقات و مطالعات پیشین (Kermani & Adham, 2021; Welles & Jackson, 2019) در این حوزه به گروه‌های مختلف تقسیم نمودیم.

جدول ۱. جدول مقولات نوع کاربر (کرمانی، ۲۰۲۰ و جکسون، فوکو-ولز، ۲۰۱۹)

تعریف عملیاتی	نوع حساب کاربری
هرگونه رسانه آنلاین، آفلاین، دولتی یا غیردولتی	رسانه
باید در حساب کاربری تویتر نوشته شود، این اکانت متعلق به یک سازمان مشخص داخلی یا خارجی است (به‌جز سازمان‌های رسانه‌ای)	سازمان
فردی که شغل و محل در آمدش روزنامه‌نگاری یا خبرنگاری است و خود به این موضع اذعان کرده است.	روزنامه‌نگار
حساب کاربری که توسط یک سیاستمدار اداره می‌شود.	سیاستمدار
فردی که در دسته روزنامه‌نگار/سیاستمدار/ستاره قرار نمی‌گیرد و شهروند عادی نیز نیست؛ باین وجود در یک حوزه مشخص فعالیت عمومی/رسانه‌ای مستمر دارد مانند ستون نویس یک روزنامه، کارشناس یک برنامه رسانه‌ای یا فعال مدنی. نقش	کنشگر شناس

تعریف عملیاتی	نوع حساب کاربری	
روشنفکری در اینجا توسط کنشگر ایفا می‌شود.	ناشناس ^۱	
فردی که در یک عرصه در جامعه مستقل از رسانه‌های اجتماعی شهرت دارد؛ مانند بازیکنان فوتبال، بازیگران سینما و تلویزیون و ...	ستاره	
کاربری که فاصله فالوئینگ/فالور او بیشتر از ۱۰ هزار نفر است. ^۳	خرده ستاره ^۲	شهروند
کاربری که فاصله فالوئینگ/فالور او کمتر از ۱۰ هزار نفر است.	کاربر معمولی	عادی

برای کدگذاری کاربران هر کدام از حساب‌های کاربری جداگانه در توییت‌ر جست‌وجو شد و در درجه اول براساس محتوای قرار داده‌شده در قسمت بیو حساب کاربری و پس از آن تصویر کاربر و همچنین محتوایی که در قالب توییت‌ها منتشر کرده، یکی از عناوین بالا به وی اختصاص داده شده است.

در مرحله بعد لازم بود تا محتوای بروکرها از حیث چگونگی استفاده از زبان و لحن و همچنین کردارهای شبکه‌ای خاص این کاربران مورد بررسی قرار گیرد. پس از شناسایی بروکرها، تمامی توییت‌های آنان جمع‌آوری شد. بعد از حذف نمودن توییت‌های تکراری از داده‌ها، صرفاً ۳۷۰ توییت منحصر به فرد از بروکرها باقی ماند که با روش کل‌شماری کدگذاری و تحلیل نمودیم.

تحلیل کیفی

پیدایش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی موجب شد تا محققان تلاش کنند راهکارهایی برای استفاده از این روش به منظور تحلیل محتواهای تولیدشده توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی ارائه کنند. یکی از تازه‌ترین رویکردها برای انجام تحلیل گفتمان در رسانه‌های اجتماعی که می‌تواند رهیافتی مناسب برای استفاده در این تحقیق باشد توسط خسروی‌نیک

1. Parody Account

2. Microcelebrity

۳. این عدد بر اساس مطالعه پیشین کرمانی (۱۳۹۸) و حاجی زادگان (۱۳۹۸) انتخاب شده و بر اساس پردازش‌های آماری صورت پذیرفته نسبت به ستاره‌های توییت‌ر فارسی است.

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۱۷

(۲۰۱۷) ارائه شده است. این رویکرد معتقد است که رهیافت مشاهده‌گرایانه ارتباطی مبتنی بر کردار، بیشتر با تحلیل گفتمان در رسانه‌های اجتماعی سازگار است و اطلاعات مفیدتری به دست می‌دهد. این نکته مهمی است چرا که با توجه به چرخش پارادایمی در ارتباطات رسانه‌های اجتماعی نسبت به ارتباطات جمعی، لازم است از رهیافتی استفاده کنیم که برای تحلیل کنش‌ها و کردارهای ارتباطی در این رسانه‌ها وضع شده باشد (Kermani & Adham, 2021).

برای تحلیل بروکرها، از طرفی نیاز داریم تا در یک مقیاس خرد، استراتژی‌های زبانی مورد استفاده در توییت‌ها را زیر ذره‌بین قرار دهیم و از طرفی در مقیاس کلان، کردارهای شبکه‌ای و موقعیت سیاسی اجتماعی کاربران در جامعه را ادراک نماییم. از این حیث، ما تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی (SM-CDS) را به‌منظور تفسیر و ادراک استراتژی‌های زبانی و کردارهای شبکه کاربران، به کار می‌بریم. خسروی‌نیک به نقل از براتون و لی (۲۰۱۳) می‌نویسد که نیاز است که ما به‌دقت هم متن را ببینیم و هم زندگی و عقاید کاربران را مشاهده کنیم.

این رویکرد برخلاف رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی که از متن شروع می‌کند و با تبیین بسترهای لایه‌های مختلف اجتماعی-سیاسی و رسانه‌ای متن ادامه می‌دهند، با مشاهده کردارها شروع می‌کند تا به متن برسد. منظور از کردار در این رویکرد، کنش‌های معین و موقعیت‌مندی است که افراد با استفاده از ابزارهای خاص رسانه‌ای (مانند متن نوشتاری، کامپیوتر و تلفن همراه) اجرا می‌کنند تا عضویت خود در گروه‌های اجتماعی را نمایش دهند.

ما در این تحقیق برای کسب اطلاعات بیشتر نسبت به تفاوت‌های رهبران افکار و بروکرها از تحلیل کردارهای شبکه‌ای که در قالب توییت‌های متنوع و تکه تکه بروز پیدا می‌کند در کنار تحلیل گفتمان متن محور استفاده می‌کنیم. پس از آماده شدن داده‌ها، توییت‌ها به‌عنوان واحد مشاهده کدگذاری شدند. کار ما در این مرحله بر اساس تحقیقات مشابه (Jackson & Foucault Welles, 2016; Meraz & Papacharissi, 2013;)

Papacharissi & de Fatima Oliveira, 2012) بر محور متن^۱ و لحن^۲ پیش برده شد و علاوه بر این دو مورد، برای اکتشاف کردارهای شبکه‌ای اشخاص، توییت‌ها چندین بار به شکل رفت و برگشتی مطالعه شد و الگوهای کرداری به صورت حاشیه‌نویسی^۳ ثبت شد.

به‌طور مشخص ما در فرایند کدگذاری توییت‌ها به دنبال پاسخی برای این پرسش‌ها

بودیم:

- ایده بدیهی انگاشته نگارنده در نوشتن توییت چه بوده است؟ نگارنده چه چیز را عقل مسلم فرض کرده است؟ (برای این سؤال، در صورت امکان تا سه ایده بدیهی انگاشته برای هر توییت ثبت شد)

- توییت در مجموع چه لحنی دارد؟
- نوع نوشتار توییت چیست؟
- جنس توییت چیست؟
- از چه کلماتی برای مشارکت در نزاع گفتمانی به صورت عامدانه یا غیر عامدانه استفاده می‌شود؟

- نویسندگان چه هویت‌هایی را در توییت خود برمی‌سازد؟
- نویسندگان از کدام ساختارهای گرامری در توییت خود استفاده می‌کنند؟
- نویسندگان چه کردارهای شبکه‌ای از خود بروز می‌دهند؟

پس‌ازاین که به ازای هر توییت به پرسش‌های مذکور پاسخ دادیم، نوبت به کشف الگوها و مقایسه الگوهای کرداری و زیانی رهبران افکار و بروکرهاست تا از این طریق الگوهای را کشف کنیم که موجب شده تا بروکرها، در موقعیت میان قطب‌های شبکه قرار گرفته و دوقطبی مخرب شبکه را کاهش دهند.

یافته‌ها

اگر تصویر گراف ریتوییت و منشن را برحسب روز و ساعت انتشار توییت‌ها مرتب کنیم،

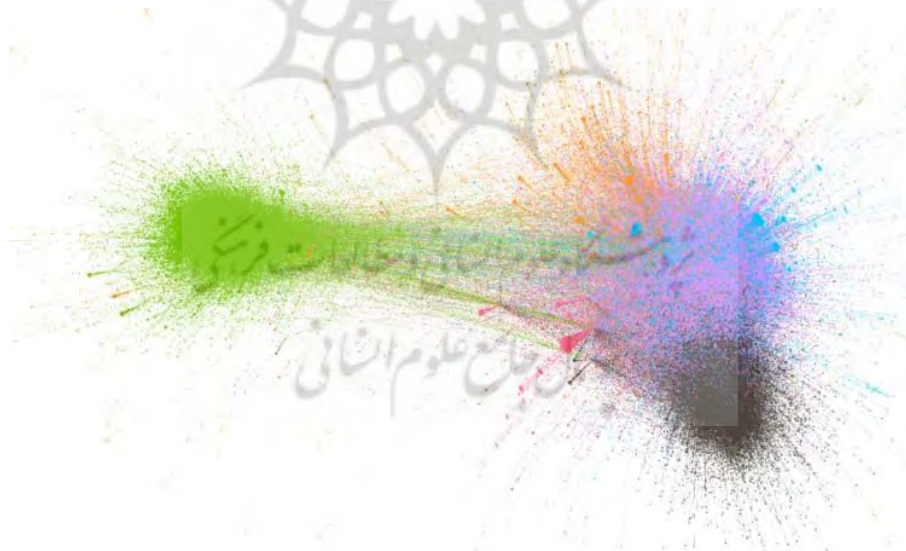
-
1. Text
 2. Tone
 3. Annotation

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۱۹

مشاهده خواهیم نمود که هر کدام از نقاط عطف در دو هفته زمان حوادث چه تأثیری در کل شبکه داشته است.

• روز اول تا پنجم

اگر گراف شبکه را صرفاً از روز اول تا پنجم رسم کنیم، تمامی خوشه‌ها جز یک خوشه در کنار هم قرار می‌گیرند. مرور توییت‌ها نیز این ادعا را تأیید خواهد کرد. در واقع ترور سردار سلیمانی، محملی برای اتحاد همه گروه‌های سیاسی داخل کشور شده که صرفاً براندازان را در مقابل خود می‌بینند. همه بر سر محکومیت این اقدام آمریکا توافق نظر داشته‌اند. به‌طور مثال یاشار سلطانی به‌عنوان یکی از رهبران افکار خوشه آبی در کل شبکه، اقدام ترامپ را از سر نابخردی توصیف نموده است (فقط یک احمق شاه را می‌کشد! زمین بدون شاه دیگر شطرنج نیست. بازی خون و شمشیر است نه بازی هوش و تدبیر! شهید کردن #فاسم_سلیمانی فقط از یک تازه‌وارد یا نادان می‌توانست بر بیاید؛ نه یک شطرنج‌باز).



تصویر ۱. تصویر خوشه‌بندی شبکه پس از ترور سردار سلیمانی تا قبل از حمله ایران به پایگاه

آمریکا

• روز ششم تا هشتم

پس از حمله ایران به عین الاسد و سقوط هواپیمای اوکراینی، خوشه آبی که در قضیه ترور سردار سلیمانی در کنار خوشه بنفش بود به آرامی از کنار خوشه بنفش جدا گشته و در میان دو خوشه بنفش و سبز توزیع می‌شود. در این شرایط هنوز کاربران خوشه آبی از علت اصلی سقوط هواپیما اطمینان نداشته و توییت‌های چندوجهی در میان اظهارات آنان یافت می‌شود.



تصویر ۲: تصویر خوشه‌بندی شبکه پس از حمله ایران به پایگاه آمریکا تا قبل از اعلام رسمی علت سقوط هواپیمای اوکراینی

• روز نهم تا پانزدهم

پس از اعلام رسمی علت اصلی سقوط هواپیمای اوکراینی توسط ایران، خوشه آبی که در میان دو خوشه توزیع شده بود، به سمت خوشه سبز تمایل پیدا می‌کند. توییت‌ها نیز نشان می‌دهند، انتقاد از حاکمیت به دلیل تأخیر در اعلام علت سقوط هواپیما، به وجه مشترک اظهارات کاربران خوشه سبز و آبی بدل شده و هر دو را در مقابل خوشه بنفش (فدائیان نظام) قرار می‌دهد.



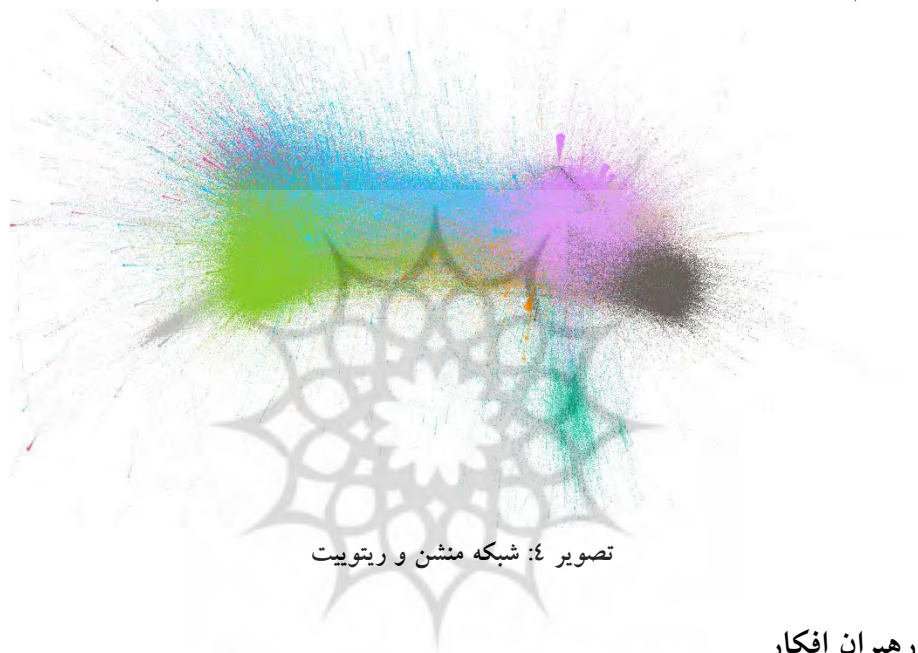
تصویر ۳. تصویر خوشه‌بندی شبکه پس از اعلام رسمی علت سقوط هواپیما تا نماز جمعه رهبری

پس از ترکیب شبکه منشن و ریتوییت و ساخت شبکه جدید، با اجرای الگوریتم شناسایی اجتماعات بر اساس شاخص ماژولاریتی، خوشه‌های موجود در شبکه ریتوییت را شناسایی کردیم (Blondel et al., 2008). از خوشه‌های شناسایی شده تنها پنج خوشه بودند که حجم آن‌ها بیشتر از چهار درصد کل شبکه را شامل می‌شد. به دلیل حجم پایین خوشه‌های دیگر، آن‌ها را از تحلیل‌ها کنار گذاشتیم زیرا تمرکز بر این پنج خوشه، محتوای مسلط در شبکه را نشان می‌دهد.

در ادامه، پرنفوذترین کاربران در هر همگان شبکه‌ای را بر اساس شاخص PageRank شناسایی کردیم. این کاربران، افرادی هستند که توییت‌های آن‌ها، بیشترین گردش را در کل شبکه داشته است. به منظور پاسخ‌دهی به پرسش دوم تحقیق (کدام کاربران در هر خوشه نقش رهبران افکار یا کنشگران اصلی خوشه را دارند؟)، ده کاربری که بالاترین شاخص PageRank در هر خوشه را داشتند را شناسایی و عنوان کنش‌گران اصلی یا رهبران افکار را به آن‌ها اطلاق نمودیم.

ما برای تعیین مقوله نوع کاربر که ستون سوم جدول رهبران افکار را تشکیل داده است، به حساب کاربری تک‌تک افراد سر زده و بر اساس منصب سیاسی یا اظهاراتی که

خود شخص در قسمت «بیو» نوشته است و یا براساس توییت‌های وی یکی از عناوین جدول مقولات «نوع حساب کاربری» در فصل سوم را انتخاب نموده‌ایم. در نهایت بر اساس تحقیقات پیشین و همچنین رویکرد سیاسی افراد، برای هر خوشه یک عنوان انتخاب شده است. لازم به ذکر است؛ ما به هیچ‌عنوان در تعیین عنوانی خاص برای خوشه‌ها اصرار نداریم و صرفاً برای سهولت در اشاره به آن‌ها از این عناوین کمک گرفته‌ایم.



تصویر ۴: شبکه منشن و ریتوییت

رهبران افکار

در جدول ۲، ده کاربری که در هر خوشه واجد بیشترین مقدار پیج رنگ بوده‌اند، به‌عنوان رهبران افکار هر خوشه شناسایی شده و در پایین نام کاربری هر یک، «نوع کاربر» بر اساس جدول ۱ تعیین شده است. پس از بررسی پیشینه و همچنین محتوای تولیدشده توسط کاربران مؤثر هر خوشه، می‌توان آن خوشه را نماینده هویت سیاسی خاصی معرفی نمود. خوشه بنفش از دو سیاستمدار، شش کنشگر شناس، یک روزنامه‌نگار و یک کنشگر ناشناس تشکیل شده است و این خوشه در تحقیقات گذشته با عناوینی چون موافقان نظام، اصول‌گرایان، انقلابیون و فدائیان نظام معرفی شده است. خوشه سبز با سه روزنامه‌نگار، سه کنشگر ناشناس، دو رسانه و یک سیاستمدار ترکیب متنوع‌تری از کاربران را در اختیار

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۲۳

دارد. این خوشه را بر اساس کاربران و محتوای منتشرشده در آن می‌توان نماینده براندازان، تحول خواهان یا مخالفان حاکمیت فعلی در ایران معرفی نمود. خوشه آبی را با پنج رسانه، سه روزنامه‌نگار و یک کنشگر شناس می‌توان نماینده مناسبی برای روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها به حساب آورد. حضور هواداران جناح‌های گوناگون در این خوشه، عامل میله‌ای شدن آن و کشیده‌شدن آن در میان قطب‌های شبکه است. خوشه مشکی با فاصله از کل شبکه و در کنار خوشه موافقان حاکمیت قرار گرفته است. موقعیت این خوشه در شبکه، ناشناس بودن کاربران، چگالی و درهم‌تنیدگی آن، فرضیه بات بودن کاربران این خوشه را تقویت می‌کند^۱. درنهایت کاربران مؤثر خوشه نارنجی نیز از مسئولان ایران (عمدتاً جناح دولت روحانی) و سیاستمداران آمریکایی و چند کنشگر شناس دیگر تشکیل شده است و همین مسئله باعث میله‌ای شدن شکل خوشه شده است.

جدول ۲. رهبران افکار خوشه‌های اصلی

ردیف	رهبران افکار خوشه بنفش	رهبران افکار خوشه سبز	رهبران افکار خوشه آبی	رهبران افکار خوشه نارنجی	رهبران افکار خوشه مشکی
1	Khameneihistory س	ManotoNews ر.س	IranIntlbrk ر.س	RealDonaldTrump س	SecPompeo س
2	a_raefipour1 ک.ش	chawshin_83 ک.ن	Bbcpersian ر.س	Mostafatajzade ک.ش	rezvan_bano خ
3	sabeti_twt ک.ش	AlinejadMasih ر	IranIntl ر.س	Rouhani_ir س	Hhoseyni1 ک
4	ir_rezaee س	Drx661 ک.ن	Yasharsoltani ر	hesamodin1 ک.ش	Fridounyarda1 ک
5	Yaminpour ک.ش	PahlaviReza س	FarsNews_Agency ر.س	SadeghZibakalam ک.ش	Shaghayegha ک

۱. این فرضیه را می‌توان با الگوریتم‌های شناسایی بات مانند باتومتر (Botometer) با دقت نسبتاً مناسبی تأیید یا رد نمود.

ردیف	رهبران افکار خوشه بنفش	رهبران افکار خوشه سبز	رهبران افکار خوشه آبی	رهبران افکار خوشه نارنجی	رهبران افکار خوشه مشکی
6	HosseinDaliran	Sdehghanpour	HadiNili	Jzarif	Soobh777
	ر	ر	ر	س	خ
7	haj_haydar	rezahn56	AfsharMahnaz	USAdarFarsi	moslem_moein
	ک.ش.ن	ر	س	سا	ک.ش
8	yekta_ir	hafezeh_tari	Sinavaliollah	Azarijahromi	aliasghar_1378
	ک.ش	ر.س	ر	س	ک
9	Aseyedp	MemAR1983	IranNewspaper	khamenei_ir	saabedi70
	ک.ش	ک.ن	ر.س	س	ر
10	Ali_Rajabi	FarhadiIvar	MohajeraniSaye	ir_ghaani	Ackarii_1414
	ک.ش	م	ک.ش	م	م

توضیح اختصارات. س: سیاستمدار، ک.ش: کنشگر شناس، ر: روزنامه‌نگار، ر.س: رسانه، ست: ستاره، سا: سازمان، ک.ن: کنشگر ناشناس، خ: خرده ستاره، م: اکانت معلق، ک: کاربر معمولی

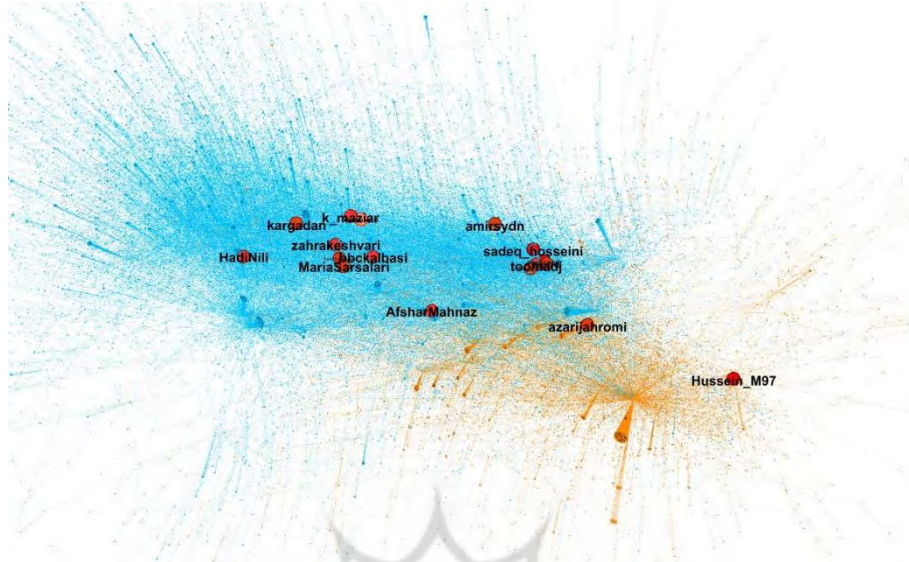
از آنجا که هدف ما در پرسش دوم تحقیق (کدام کاربران نقش بروکر را در شبکه دارند؟)، یافتن پل‌ها یا بروکرها است، مبنای تحلیل خود را، دو خوشه میله‌ای شکل میان دو قطب قرار دادیم. برای یافتن بروکرهای مشهور، کاربرانی را جست‌وجو کردیم که هم‌زمان بیشترین مقدار Betweenness و PageRank را در این دو خوشه (آبی و نارنجی) دارا بودند. بهینه‌سازی این دو معیار را با عنوان جدید به نام Page-Bet نشان دادیم و ۱۶ کاربری که بیشترین مقدار از این معیار جدید را داشتند، شناسایی نمودیم.

جدول ۳. مشخصات بروکرها در شبکه

ردیف	نام کاربر	نوع کاربر	خوشه	بیو
1	HadiNili	روزنامه‌نگار	آبی	خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی در واشنگتن
3	AfsharMahnaz	ستاره	آبی	Actress.... Who looks outside, dreams who looks inside, awakes
4	zahrakeshvare	روزنامه‌نگار	آبی	Iranian journalist... روزنامه‌نگار محیط‌زیست

ردیف	نام کاربر	نوع کاربر	خوشه	بیو
				و میراث فرهنگی. اینجا نظر شخصی‌ام را می‌نویسم.
5	bbckalbasi	روزنامه‌نگار	آبی	خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی در نیویورک.
6	k_maziar	روزنامه‌نگار	آبی	من گنگ خواب‌دیده و عالم تمام کر
7	toomadj	کشگر شناس	آبی	غربت آنجایی است که ایران نیست Farsi&English اصلاح‌طلب به رسم سیدمحمد خاتمی :- اصولگرا به رسم میرحسین موسوی
8	sadeq_hosseini	روزنامه‌نگار	آبی	Journalist: F.P. & ME affairs, PR and Social Media advisor. Director of ۲۴iranthisway@ http://digitalidea.ir
9	azarijahromi	سیاستمدار	نارنجی	ICT Minister of Iran
10	kargadan	خرده ستاره	آبی	هر که به این سرای آید، راهش دهم و مرازش نپرسم؛ هر که برفت نیز گویی از روز ازل نبوده / بازنشر # تأیید / جواب ابلهان خاموشی ست / با دوستان مروت، با دشمنان مدارا
۱۱	pooriast	کشگر شناس	آبی	A Believer in Friendship & Helpfulness; Entrepreneur Playing with #SocialMedia & #BigData Analysis
۱۳	amirsydn	روزنامه‌نگار	آبی	Journalist - Member of International # Federation of Journalists
۱۵	aqolizadeh	کشگر شناس	آبی	-
۱۶	hoseinrazzagah	کشگر شناس	آبی	هیچ
۱۷	Hussein_M97	خرده ستاره	نارنجی	در جستجوی حیات ابدی ...
۱۸	MorzaeriZaeri	ستاره	آبی	توهین به غیر خودم = بلاک morzaeri@
۲۰	alimojtahedzad3	-	آبی	سید علی مجتهدزاده و کیل دادگستری

در مجموع ۱۶ کاربر، برای بخش بعدی تحلیل‌ها شناسایی شدند که تصویر آن‌ها در شکل پایین ثبت شده است. در شکل زیر موقعیت بروکرها در خوشه‌های میانی شبکه مشخص گردیده است.



تصویر ۵. موقعیت بروکرها در دو خوشه میانی

کنش ارتباطی بروکرها

در این بخش به این پرسش خواهیم پرداخت که شکل‌دهی افکار عمومی چگونه توسط بروکرها اجرا می‌شود، چه ویژگی‌هایی دارد و چه تفاوتی با رهبران افکار می‌کند؟ همان‌طور که در بخش‌های قبلی بیان شد، ما برای پاسخ‌دهی به این پرسش، محتوای بروکرها را بر اساس ایده‌های بدیهی انگاشته، کردارهای شبکه‌ای، نوع و لحن پیام طی چند مرحله رفت و برگشتی کدگذاری نمودیم و در نهایت الگوهای تکرارشونده در کل پیام‌ها را که متمایز از الگوی کنش رهبران افکار بود، ذیل چند عنوان قرار دادیم.

• انتقاد و پاسخ‌گویی مؤدبانه

یکی از وجوه مشترک بروکرها، رعایت ادب و احترام در توییت‌های شخصی و فراتر از آن در کامنت‌هایی است که برای منتقدان خود قرار می‌دهند. به‌طور مثال کاربری در کنار متهم کردن افرادی در داخل نظام به زمینه‌چینی سرکوب مردم، اما از لفظ مؤدبانه دوست‌داران سردار قاسم سلیمانی برای اشاره به شخصیت قاسم سلیمانی استفاده می‌کند:

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۲۷

(نزدیک ۲۰ سال است روزنامه‌نگاری می‌کنم. تجربه کهنه مرا بی‌بیرید؛ حساب‌هایی مثل این، سایبری مخفی‌هایی هستند که می‌خواهند با جریحه‌دار کردن احساسات دوستداران سردار #قاسم_سلیمانی، زمینه سرکوب مردم و نجات دروغگویان و مسیبان سقوط #پرواز ۷۵۲ را فراهم کنند. به هوش! تکرار سناریوی عاشورای ۸۸).

یکی دیگر از بروکرها برخلاف شکل بی‌رحمانه انتقاداتی که از سوی رهبران افکار صورت می‌پذیرد، سعی می‌کند، با یادآوری رویه‌های حرفه‌ای خطای دولت مردان را به آن‌ها گوشزد کند (قاعده این است که در پی یک فاجعه ملی بلافاصله دولت بیانیه صادر می‌کند، رئیس دولت یا نماینده‌اش به محل حادثه می‌رود و در نخستین فرصت در نشست خبری شرکت می‌کند، تحقیقات آغاز می‌شود و به سؤالات و ابهامات شفاف پاسخ داده می‌شود. آیا همه این اقدامات انجام شد؟ #۷۵۲ps# #هواپیمای_اوکراینی). به همین ترتیب می‌توان به کاربری اشاره کرد که مخاطبان خود در کامنت‌ها که به وی نقدی وارد کرده‌اند را با لفظ گرامی خطاب قرار می‌دهد و به این شکل به آن‌ها احترام می‌گذارد (تحقیقات ادامه دارد گرامی).

• ارتباط دوسویه در کامنت‌ها

ویژگی دیگری که در میان اکثر بروکرها یافت می‌شود، حضور فعالانه در کامنت‌هاست. آن‌ها پس از انتشار توییت، ذیل همان پست، به اظهارات موافقان یا مخالفان خود واکنش نشان می‌دهند و به‌نوعی حس صمیمیت و به رسمیت شناخته شدن انتقاد را به کاربران خود القا می‌کنند.



تصویر ۶: نمونه‌ای از شکل‌گیری ارتباط دوسویه در کامنت‌ها

- نقد اظهارات دیگران در کوت
یکی دیگر از کردارهای شبکه‌ای بروکرها، کوت (رتیویت+کامنت) است. آن‌ها برخلاف رهبران افکار به اظهارات گفتمان رقیب خود به شکل غیرمستقیم پاسخ نمی‌دهند و به‌جای آن، با رتیویت کردن توییت مخالف خود، نقد خود را در قسمت فوقانی توییت ثبت می‌کنند. دلیل که این کردار را در زمره کردارهای شبکه‌ای کاهش‌دهنده قطبیدگی قرار می‌دهد، این است که ویژگی کوت در توییت، پس از استفاده، توییت پدید آمده را به

تویتر به مثابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۲۹

دنبال کنندگان هر دو شخص نمایش می دهد و از این حیث بستری را برای حضور هواداران هر دو کاربر در قسمت کامنت ها به وجود می آورد.



Translate Tweet



تصویر ۷. نمونه از نقد اظهارات دیگران در کوت

• تحسین و تقبیح شدن از سوی همه جناح ها

از دیگر وجوه افتراق بروکرها با رهبران افکار می توان به سرزنش شدن از سوی همه جناح ها اشاره داشت. اظهار نظرهایی که عمدتاً در چارچوب دوگانه های ایدئولوژیک قرار نمی گیرد، موجب می شود تا هواداران هر یک از قطب های شبکه حتی با وجود مشاهده توییتی که موضع گروهش را تقویت می کند به خاطر پیشینه چندوجهی بروکر، وی را مورد

مذمت و سرزنش قرار دهند. برای مثال در این تویت، یکی از بروکر به وضعیتی که از آن نوشتیم اشاره می‌کند.

(یک طرف به ما می‌گوید خون ابان را مصادره کردید، یک طرف می‌گوید حلاوت فتح عین الاسد را تلخ می‌کنید! یک طرف می‌گوید ماله کش حکومتی، یک طرف می‌گوید لیبرال غرب پرست! وجه اشتراک هر دو؛ هشتک زدن از زیر پتو، نفهمیدن معنای وطن).

• ماهیت خبررسانی

شاید بتوان گفت یکی از ویژگی‌های ثابت نودهایی که در میان قطب‌های شبکه منش و ریتویت قرار می‌گیرند، ماهیت اطلاع‌رسانی و گزارش‌دهی اظهاراتشان است؛ به طوری که اکثریت بروکرها در این تحقیق، روزنامه‌نگار یا خبرنگار هستند. فراوانی انواع تویت‌ها نیز نشان می‌دهد، ماهیت خبری و لحن جدی در اکثریت تویت‌هایی که منتشر شده وجود دارد.



تویتر به مثابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۳۱

 **Hadi Nili** 
@HadiNili

جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، درباره **#پرواز۷۵۲**:
«ما اطلاعاتی داریم از منابع متعدد، از جمله از همپیمانانمان
و از اطلاعات خودمان، که شواهد نشان می‌دهد این هواپیما
با یک موشک زمین به هوای ایران ساقط شده. این می‌تواند
غیرعمدی هم بوده باشد.»

[Translate Tweet](#)



BREAKING NEWS

LIVE

PM TRUDEAU ADDRESSES THE MEDIA

22.3K views 0:03 / 0:39

From **CTV News** 

11:20 PM · Jan 9, 2020 · Twitter Web App

133 Retweets 41 Quote Tweets 953 Likes

تصویر ۸. نمونه‌ای از رفتار خبررسانی و اطلاع‌رسانی

• ارجاع به رسانه‌ها

از آنجا که عمده بروکرها در این تحقیق، روزنامه‌نگار و خبرنگار هستند، دور از ذهن نیست که آن‌ها به کرات از رسانه‌های خارجی ارجاع بیاورند. این الگو در این گزارش نیز تکرار شده و مشخص شد تعداد قابل توجهی ارجاع به رسانه‌های خارجی وجود دارد که به منظور ترجمه اخبار آن‌ها و انتقال هر چه سریع‌تر خبر تولیدی آن‌ها، انجام پذیرفته است.

 بهمن کلیاسی
@bbckalbasi


وزرای خارجه و دفاع و رییس سی‌ای‌ای بعد از ۶ روز بلاخره سناتورها را در جریان اطلاعات سری گذاشتند که قرار بود نشان دهد ترور #قاسم سلیمانی لازم بوده. نه فقط سناتورهای دموکرات بلکه چند سناتور جمهوری خواه هم به شدت از این جلسه ناراضی بودند و گفتند قانع نشدند:

[Translate Tweet](#)



From Andrew Lawrence

2:39 AM · Jan 9, 2020 · Twitter for iPhone

 فرشاد
@toomadj

بیزینس اینسایدر: مورد شکایت ایران از آمریکا در دادگاه جنایات جنگی، سر عملیات تروریستی علیه #سلیمانی بطرز غریبی قدرتمند است
هدف #ایران اختلاف افکنی مابین اروپا و آمریکا و سطح همکاری ناتو است (آمریکا نسبت به احکام این دادگاه بی تفاوت است. اما اروپا...)

[Translate Tweet](#)



Iran could win war-crimes lawsuit against Trump over Soleimani killing - Business...
A NATO military attaché in the Middle East told Business Insider that the case against the US is "shockingly strong."
[businessinsider.com](https://www.businessinsider.com)

4:56 AM · Jan 16, 2020 · Twitter for Android

تصویر ۹. نمونه‌ای از ارجاع به رسانه‌ها توسط بروکرها

• استفهام انکاری

استفهام انکاری یا پرسش بلاغی، گونه‌ای آرایه ادبی است که در قالب یک پرسش، موضوعی را مطرح می‌کند بی‌آنکه صرفاً به دنبال پاسخ مشخصی برای پرسش اصلی باشد. به‌طور کلی می‌توان نشان داد، انتقادی که در شکل استفهام انکاری صورت پذیرد، وجهی ملایم‌تر از انتقادی دارد که مستقیماً و بعضاً با الفاظ رکیک بیان شود. مرور توییت‌ها، فراوانی زیاد استفاده از این آرایه را نزد بروکرها نمایان ساخت.



تصویر ۱۰. نمونه‌ای از به‌کارگیری آرایه استفهام انکاری توسط بروکرها

• مستند بودن اظهارات

بروکرها دائماً در تلاش‌اند تا نشان دهند تفسیرشان نه بر اساس رأی شخصی بلکه مستند به ادله و مدارک قابل ارائه است. آن‌ها در بسیاری از مواقع از نام رسانه‌ها، سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و خرده سلبریتی‌ها استفاده کرده و اخبار و تفسیر را از جانب آن‌ها ارائه

می‌کنند.

 **بهمن کلیسی**
@bbckalbasi

عراق رسماً از ایران به خاطر حمله موشکی به خاکش شکایت کرد. در نامه‌ای به رییس دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل-<

Translate Tweet

 **Farhad Alaaldin** @farhad965 · Jan 11, 2020

#Iraq formally submits a complaint letter with the President of Security Council and UN Secretary General for the rocket attacks by #Iran on Iraqi military installations that house #US personnel of Ain AlAssad and Erbil

#IranVSAmerica

رئیس مجلس الأمن المؤقت

تحية طيبة ...

لاحقا برسالتنا المؤرخة في 2020/01/06، بقار النهضة سيادة العراق التي قامت به القوات العسكرية الأمريكية بتاريخ 2020/01/03، وبناء على تعليمات من حكومة بلاتوي الكف لكم مرة أخرى لإبلاغكم بحرق آخر تعرضت له الأراضي العراقية منتصف ليلة الأربعاء الموافق 2020/01/08، لهدميات بالصواريخ الإيرانية المتهافتة معسكرات نسم قوات عراقية ولوات للتحالف الدولي، أن إصاف الأراضي العراقية من قبل الجمهورية الإسلامية الإيرانية بحجة الدفاع عن النفس وحتت المادة 51 من ميثاق الأمم المتحدة أمر عرولوس، ويعل حرقاً لسيادة العراق، وانهاكا لمبادئ حسن الجوار وميثاق الأمم المتحدة والقانون الدولي.

نكرر التأكيد على أن ارض العراق لم ولن تكون مهدداً لأمن وسلامة دول الجوار، وإن العراق يشعب

12:58 AM · Jan 11, 2020 · Twitter for iPhone

 **ali mojtahedzadeh**
@alimojtahedzad3

حتي **#قتل غير عمد** در حوادث **#رانندگي** به موجب ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامي شش ماه تا سه سال حبس براي مرتكب در پي دارد اينکه در موضوع **#سقوط هواپيما** عده اي طوري رفتار ميکنند که انگار اشتباه صورت گرفته که چنين فاجعه اي به بار آورده داراي مجازات نيست بسيار عجيب است

Translate Tweet

8:20 PM · Jan 15, 2020 · Twitter for iPhone

تصویر ۱۱. نمونه‌ای از اظهارات مستند

• عدم تعصب نسبت به موضع خود و مخالفت با تندروها

مهم‌ترین ویژگی بروکرها که موجب شده آن‌ها پلی میان قطب‌های شبکه باشند، عدم تعصب نسبت به موضع پایگاه سیاسی‌شان است. آن‌ها برخلاف رهبران افکار، به پایگاه خود نقد وارد می‌کنند و خطای افراد یا نهادهایی که تا پیش‌ازین مورد تأییدشان بوده را به آن‌ها گوشزد می‌کنند. همین کردار سبب شده تا هواداران قطب‌های اصلی شبکه، اظهارنظری که موجب تضعیف رقیب خود می‌شود را تأیید کنند و آن را به اشتراک بگذارند. به‌عنوان مثال خبرنگار بی‌بی‌سی برخلاف ایده طبیعی شده برانداز بودن، تلاش نموده تا اخبار قانع نشدن سناتورها از توجیه ترامپ را برجسته کند. به همین ترتیب پوریا استرکی نیز باینکه به پایگاه سیاسی فدائیان نظام نزدیک است اما پس از اعلام خبر خطای پدافند ایران، موضع خود را تغییر می‌دهد و از تصمیمات نظام انتقاد می‌کند. کاربری به نام فرشاد هم اعتقاد پیشین خودش را زیر سؤال می‌برد و در تغییر موضع آشکار، بی‌اعتمادی‌اش را نسبت به آمریکا اعلام می‌کند.



بهمن کلباسی
@bbckalbasi

اینکه نظامیان آمریکا در همان شب ترور #فاسم سلیمانی عملیات ناکامی برای کشتن یک فرمانده دیگر، عبدالرضا شهلائی، انجام دادند، #ترامپ را با پرسش‌های جدیدی در رسانه‌های آمریکا در مورد انگیزه واقعی این حملات مواجه کرده. جلوگیری از حمله «قریب الوقوع» سلیمانی یا جنگ تمام عیار علیه سپاه؟

Translate Tweet



John Hudson @John_Hudson · Jan 10, 2020

SCOOP: On the same day U.S. forces killed Soleimani, they launched another secret kill operation to take out a senior Iranian official in Yemen, but did not succeed. 1/ My latest with @missy_ryan and @jdawsey1
[washingtonpost.com/world/national...](https://www.washingtonpost.com/world/national...)

Show this thread

1:30 AM · Jan 11, 2020 · Twitter for iPhone

تصویر ۱۲. مثالی از انتقاد به پایگاه سیاسی خود



Pooria Asteraky 🇮🇷
@pooriast

...

در ساختار پنهان‌کار این کشور، بیانیه ستاد نیروهای مسلح
مرا یاد بیانیه وزارت اطلاعات پس از قتل‌های زنجیره‌ای
انداخت.
اما ترسم این‌ست که اگر این یک پرونده با نظارت بین‌المللی
نبود باز هم این شفافیت نسبی به میان ما می‌آمد؟
یا پرس‌وجوگر ساکت می‌شد؟

#هواپیمای_اوکراین

Translate Tweet

8:09 AM · Jan 11, 2020 · Twitter for Android

تصویر ۱۳: مثالی از انتقاد به پایگاه خود (۲)



فرشاد
@toomadj

...

من احمق که فکر میکردم "سفارت آمریکا" می‌توانست لانه
جاسوسی، اتفاق عملیات ترور و کودتا و مرکز اشاعه
تروریسم نباشد...

#سردار_سلیمانی

#سردار_قاسم_سلیمانی

#ایران

Translate Tweet

9:17 AM · Jan 3, 2020 · Twitter for Android

تصویر ۱۴: مثالی از عدم تعصب نسبت به یک موضع خاص

تویتر به مثابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۳۷



تصویر ۱۵. نمونه‌ای از تلاش برای تضعیف دیدگاه‌های یک بعدی

در توییت فوق مشخص است، کاربر سعی می‌کند جناح‌بندی‌های طبیعی شده را به چالش کشد و بر یکدست نبودن تفکرات مردم حاضر در جامعه ایران تأکید بورزد و از این طریق مواضع افراد تندرو که نظرات اقشار مختلف را در نظر نمی‌گیرند را تضعیف کند. به‌موجب توصیفاتى که طرح شد، چنین تفکری در قطب‌های متمرکز و متعصب شبکه جای ندارد و به همین سبب در میان دو قطب شبکه توزیع می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



هنوز رفتن #سلیمانی رو باور نکردم و منکر این نیستم هسته‌هایی بدنبال شکاف و توهین سازمان‌مندند. منتها: حکومت سردار را تبدیل به یکی از نمادهای نظام کرده و بخشی از جامعه ناراضی و سرخورده، مقابله میکنند. رفتار آنها حماقت است، منتها سرباز ترامپ و البغدادی نیستند. عموماً عصبانی و نادانند

Translate Tweet



1:35 AM · Jan 16, 2020 · Twitter for Android

تصویر ۱۶. نمونه‌ای از تلاش برای درک احساسات مخالفان

جمع‌بندی یافته‌ها

همان‌طور که در جداول و نمودارهای درج‌شده در قسمت یافته‌ها مشاهده شد، تمامی مراحل خوشه‌بندی‌ها و یافتن افراد مؤثر در هر خوشه بر اساس روش‌های محاسباتی و به‌صورت خودکار به‌دست آمده و سوگیری انسانی در آن راه نداشته است. به‌طور مثال شبکه ایران اینترنت‌نشال و بی‌بی‌سی در خوشه میانی قرار گرفته‌اند و البته جایگاه بی‌بی‌سی به میانه شبکه نزدیک‌تر از ایران اینترنت‌نشال هست. این یافته محاسباتی، نسبت به پیش‌فرض‌های ذهنی غیر محاسباتی که بی‌بی‌سی و ایران اینترنت‌نشال را هم‌ارز منوتونیوز می‌پندارد، متفاوت و متباین است و این مهم، مزیت رویکرد این پژوهش را از نظر کاهش خطر حبس در پیش‌فرض‌ها نمایان می‌سازد.

ذیل پرسش اول، نشان دادیم، اگرچه ساختار کلی شبکه به‌صورت دمبلی شکل سامان‌یافته اما این ساختار از ابتدا به این شکل نبوده و به‌مرور در جریان حوادثی که رخ داده، از یک دو قطبی ناهمگون و نامتوازن به یک دو قطبی متوازن تغییر شکل داده است. بررسی تصویر خوشه‌ها پس از ترور سردار سلیمانی تا پیش از حمله ایران نشان می‌دهد، خوشه‌های میانی شبکه کاملاً در قطب فدائیان ادغام گشته و صرفاً خوشه براندازان را در پیش خود می‌بینند. در حقیقت، ترور سردار سلیمانی موجب شده تا خوشه میانی شبکه که برخلاف دو قطب اصلی، موضعی محافظه‌کارانه را اتخاذ کرده است، به سمت خوشه فدائیان متمایل شود و مانند کاربران این خوشه، هویت «ما» و «دیگری» را بسازند. اقدام آمریکا باعث شده تا خوشه‌های میانی، ولو در مدت‌زمان محدودی، واقعیت را به‌سان فدائیان نظام بازنمایی کنند و از این جهت مورد تأیید آن‌ها قرار گیرند. از این یافته‌ها می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ساختارهای قدرت در تویتر فارسی مبتنی بر منازعه کاربران دو جناح اصلی است که رویکردشان ثابت و تغییرناپذیر است و در کنار آن‌ها قشر خاکستری وجود دارد که به‌حسب موضوع پیش آمده و حادثه رخ داده، به یکی از قطب‌ها متمایل می‌شود و در مواردی ترجیح می‌دهد محافظه‌کار بماند. این فرضیه می‌تواند در تحقیقات آینده تأیید یا رد شود.

ساختار دمبلی شکل، الگوی ثابتی در تحقیقات پیشین نیست و به فراخور حادثه یا موضوع ممکن است این ساختار به وجود آید. گرچه این نکته را باید در نظر داشت که این تحقیق صرفاً با گزارش‌هایی قابل‌مقایسه است که از الگوریتم Force Atlas2 در ساختاریابی شبکه استفاده کرده باشند. از مرور تحقیقات گذشته در کنار نتایج این تحقیق می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که ساختارهای ایدئولوژیک در برخی مواقع مانند انتخابات (Kermani & Adham, 2021; Khazraee, 2019b)، فرصت بروز اندیشه‌های دیگر را به کاربران می‌دهند اما در مسائلی که از حساسیت زیادی برای ساختارهای قدرت برخوردار است، آن‌ها تمام‌قد وارد شده و با نفی تمامی گزینه‌های موجود صرفاً رویکرد خود را تبلیغ و تقویت می‌کنند و همین موجب می‌شود تا قطب‌های شبکه از یکدیگر بیشتر

فاصله داشته باشند.

خوشه آبی و خوشه نارنجی در این تحقیق را نمی‌توان براساس سنت‌های پیشین نام‌گذاری کرد چرا که ساختار نوینی در آن‌ها رخ داده است. لازم به ذکر است، اگرچه سلطنت‌طلبان و سازمان مجاهدین خلق و برخی از مهاجرین خارج‌نشین، رویکر واحدی در مقابل خوشه فدائیان نظام دارند اما به لحاظ ماهیت سیاسی با یکدیگر متفاوت هستند و احتمالاً بتوان در برخی از تحقیقات آینده مرز میان آن‌ها را شناسایی نمود. در خوشه سبز، سه روزنامه‌نگار، سه کنشگر ناشناس، دو رسانه در کنار یک سیاستمدار حاضر هستند. همان‌طور که مشخص است ماهیت این خوشه از تنوع بیشتری نسبت به خوشه بنفش برخوردار است. حضور تعداد زیاد کنشگران ناشناس در یک خوشه اپوزیسیون، مؤید مزایای امکان «گمنامی» است که در ادبیات تحقیق به آن اشاره شد.

خوشه آبی، خوشه‌ای کشیده شده و توزیع شده میان دو قطب است و علت این امر، حضور هواداران گروه‌های مختلف سیاسی در این خوشه است. این خوشه متشکل از پنج رسانه، دو روزنامه‌نگار، یک ستاره و یک کنشگرشناس است و به همین علت ماهیت رسانه‌ای آن برجسته‌تر است. همان‌طور که ذکر شد حضور رسانه‌های ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی در کنار رسانه‌هایی مثل فارس و روزنامه ایران و همچنین کنش‌گری مانند مهاجرانی از یک طرف و هادی نیلی از طرف دیگر، درک ماهیت این خوشه را دشوار ساخته و عناوین تحقیقات گذشته را غیرقابل استفاده کرده است. ماهیت حادثه و درگیربودن آمریکا در این رویداد این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که احتمال دارد وجود افرادی مثل هادی نیلی و یا بهمن کلباسی ناشی از حضور آن‌ها در آمریکا و دسترسی به اطلاعات دست‌اول درباره اقدامات طرف اصلی یعنی آمریکا باشد.

خوشه نارنجی نیز در زمره خوشه‌هایی است که شکل میله‌ای به خود گرفته است و در میان دو قطب اصلی شبکه توزیع شده است. این خوشه متشکل از پنج سیاستمدار، سه کنشگر شناس و یک سازمان است و ماهیت نهادی در آن برجسته است. علت میله‌ای شدن این خوشه نیز، حضور تفکرات رقیب در این خوشه است. به‌طور مثال، حضور ترامپ و

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۴۱

روحانی از یک سو و اکانت فارسی وزارت خارجه امریکا و حساب منتسب به رهبری از سوی دیگر نشان می‌دهد چرا این خوشه به این شکل درآمده است. می‌توان استنباط کرد که رسانه‌ها، به دلیل ماهیت خبری و اطلاع‌رسانی می‌توانند محل استناد جناح‌های سیاسی برای تأیید یا رد مواضعشان باشد و به این علت است که در میان دو قطب اصلی شبکه قرار می‌گیرند. این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک فرضیه در تحقیقات آینده مورد بررسی قرار گیرد.

شانزده بروکری که در لیست نهایی قرار گرفته‌اند، متشکل‌اند از شش روزنامه‌نگار، پنج کنشگر شناس، دو ستاره، دو خرده ستاره و یک سیاستمدار. نکته قابل توجه، عدم حضور کنشگر ناشناس در میان بروکرها است. رویکرد سیاسی کاربران همان‌طور که انتظار می‌رفت، همگن نیست و کاربران را به لحاظ تمایل به خوشه‌های اصلی شبکه می‌توان روی طیفی که یک طرف آن فدائیان نظام و طرف دیگر براندازان است، توزیع نمود. در یک نگاه اولیه می‌توان این فرضیه را ساخت که بروکرها، افرادی هستند که برخلاف انتظاری که از طبقه آن‌ها به شمار می‌رود، عمل می‌کنند. مثلاً یک روحانی (مرتضی زائری) که برخی اوقات ضد گفتارها و کردارهای مسلط روحانیت عمل می‌کند، در میان بروکرها قرار دارد یا یک بازیگر (مهناز افشار) که برخلاف ماهیت عوامانه سلبریتی‌ها، کنش‌های سیاسی و مدنی دارد، یکی از بروکرها است. به همین ترتیب می‌توان فرضیه را با سایر افراد نیز مطابقت داد و پاسخ احتمالی فرضیه را این‌گونه شرح داد که هادی نیلی، کاوه مازیار و حتی سیاستمداری چون آذری جهرمی، الگوی ثابتی به لحاظ رفتار متفاوت خود نسبت به انتظارات بدیهی انگاشته شده طبقه خود دارند. لازم به ذکر است، این فرضیه باید در تحقیقات آینده مورد واری قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

رعایت ادب در انتقاد و پاسخ‌گویی، ارتباط دوسویه در کامنت‌ها، نقد اظهارات دیگران در کوت، خبررسانی، ارجاع به رسانه‌ها و مستندات، استفهام انکاری و عدم تعصب نسبت به مواضع خود، رویه‌هایی است که موجب شده تا بروکرها مورد تحسین یا تقبیح دو جناح

اصلی شبکه قرار بگیرند. بخشی از الگوهای کرداری و گفتمانی بروکرها را می‌توان در قالب نظریه کنش ارتباطی هابرماس توصیف کرد. لازم است تا اینجا مجدداً ویژگی‌های کنش ارتباطی از دیدگاه هابرماس بیان شود. از نظر هابرماس، کنش ارتباطی برعکس کنش استراتژیک که در آن فرد از تاکتیک‌های اجباری و از روی اکراه برای تحت تأثیر قرار دادن نظرات خود استفاده می‌کند، بر ارتباط محترمانه و آزاد تأکید می‌کند. این ویژگی می‌تواند رعایت ادب در نقادی بروکرها و استفاده از استفهام انکاری در مقایسه با پیام‌های تهدیدآمیز و همراه را رعب و وحشت را توضیح دهد.

یکی دیگر از مشخصه‌های کنش ارتباطی، تلاش برای دستیابی به یک هدف مشترک برای یافتن حقیقت است. نقد مستقیم بروکرها از طریق کوت کردن توییت افراد، ارتباط دوسویه در کامنت‌ها و تلاش برای اظهار نظر مستند و مستدل نیز می‌تواند در تحقق این ویژگی از کنش ارتباطی مفید و مؤثر باشد. در ضمن لازم است یادآوری کنیم، یکی از محوری‌ترین افراد حوزه عمومی در عصری که هابرماس آن را توصیف نموده، روزنامه‌نگاران‌اند. آن‌ها گفت‌وگوهای شکل‌گرفته در قهوه‌خانه‌ها و سالن‌ها را مکتوب کرده و در نشریات نوپدید آن روزها چاپ می‌کردند. این کار علاوه بر اینکه صدای حوزه عمومی را تقویت می‌نمود، به تقویت جریان اطلاعات و مرکزیت حوزه عمومی کمک می‌نمود. ماهیت رسانه‌ای بروکرها را نیز می‌توان در وضعیتی مشابه با روزنامه‌نگاران مورد اشاره هابرماس توصیف نمود.

حوزه عمومی ایده آل که در آن افکار عمومی شکل می‌گیرد از منظر هابرماس عرصه‌ای است که کنش ارتباطی در آن ساری و جاری باشد، لکن همان‌طور که دیدیم این تعریف با شرایط توییت فارسی به‌طور کامل همخوانی ندارد. توییت فارسی در جریان دی‌ماه ۱۳۹۸، نه یک پیکره واحد بلکه یک ساختار شبکه‌ای و خوشه‌ای است که هر بخش آن عملکرد منحصر به فردی دارد. حوزه عمومی شبکه‌ای، تعریف نوینی از ایده هابرماسی است که بر ویژگی‌های متفاوت رسانه‌های اجتماعی در عصر حاضر تأکید می‌کند.

در نهایت باید اذعان داشت، توییت رسانه‌ای است که می‌تواند بستری برای هتاک‌ها،

تویتر به‌منابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی...؛ قدسی و اکبرزاده جهرمی | ۴۳

حذف اندیشه مخالف و بازتولید ایدئولوژی‌های قدرت باشد و درعین حال می‌تواند به رسانه‌ای در دست به حاشیه رانده شدگان و بستری برای کنش ارتباطی تبدیل شود. تحلیل کردار و گفتار بروکرها و مقایسه آن با رهبران افکار نشان داد، کنش ارتباطی در رسانه‌های نوین امروز هم مؤثر است و می‌تواند به کاهش قطبیدگی سیاسی، تقویت حوزه عمومی، تسهیل ارتباط و مباحثه میان کاربران و متعاقباً دموکراسی مشورتی کمک نماید. به محققان پیشنهاد می‌شود تا در مطالعات آتی خود علاوه بر فرضیاتی که در قسمت یافته‌ها مطرح شد، اهداف زیر را نیز دنبال نمایند.

• بررسی شدت و نحوه واکنش قطب‌های اصلی شبکه نسبت به موضوعات

گوناگون

- بررسی دلایل حضور رسانه‌ها در قسمت میانی شبکه منشن و ریتوییت
- بررسی رابطه پیشینه سیاسی بروکرها و موقعیت آن‌ها در شبکه
- بررسی کردارها و گفتمان‌های استوکرها در مقایسه با رهبران افکار و بروکرها

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم

سپاسگزاری

از حامیان مادی و معنوی این پژوهش تقدیر می‌شود.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کلاهی، رضا. (۱۳۹۸). «پوپولیسم و قطبی‌دگی». اقتصاد نیوز

<https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-292628>

References

- Bail, C. A., Argyle, L. P., Brown, T. W., Bumpus, J. P., Chen, H., Fallin Hunzaker, M. B., Lee, J., Mann, M., Merhout, F., & Volfovsky, A. (2018). Exposure to opposing views on social media can increase political polarization. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 115(37), 9216–9221.
- Baldassarri, D., & Gelman, A. (2015). Partisans without Constraint: Political Polarization and Trends in American Public Opinion1, 114(2), 408–446.
- Blondel, V. D., Guillaume, J.-L., Lambiotte, R., & Lefebvre, E. (2008). Fast unfolding of communities in large networks. *Journal of Statistical Mechanics: Theory and Experiment*, 2008(10), P10008.
- Carmines, E. G., Ensley, M. J., & Wagner, M. W. (2012). Who Fits the Left-Right Divide? Partisan Polarization in the American Electorate, 56(12), 1631–1653.
- Christensen, H. S. (2011). Political activities on the Internet: Slacktivism or political participation by other means? *First Monday*, 16(2).
- Conover, M. D., Davis, C., Ferrara, E., McKelvey, K., Menczer, F., & Flammini, A. (2013). The Geospatial Characteristics of a Social Movement Communication Network. *PLoS ONE*, 8(3).
- Easley, D., & Kleinberg, J. (2010). Networks, Crowds, and Markets: A Book by David Easley and Jon Kleinberg. In *Book*. h
- Fuchs, C. (2014). Social Media and the Public Sphere. *TripleC: Communication, Capitalism & Critique. Open Access Journal for a Global Sustainable Information Society*, 12(1), 57–101.
- Glenn, C. L. (2015). Activism or “Slacktivism?”: Digital Media and Organizing for Social Change. <https://doi.org/10.1080/17404622.2014.1003310>, 29(2), 81–85.
- Habermas, Jurgen. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. MIT Press.
- Habermas, Jürgen. (2006). Political Communication in Media Society: Does Democracy Still Enjoy an Epistemic Dimension? The Impact of Normative Theory on Empirical Research. *Communication Theory*, 16(4), 411–426.
- Highfield, T., Harrington, S., & Bruns, A. (2013). Twitter as a Technology for Audiencing and Fandom., 16(3), 315–339.

- Jackson, S. J., & Foucault Welles, B. (2016). #Ferguson is everywhere: initiators in emerging counterpublic networks. *Information Communication and Society*, 19(3), 397–418.
- Kermani, H., & Adham, M. (2021). Mapping Persian Twitter: Networks and mechanism of political communication in Iranian 2017 presidential election. *Big Data and Society*, 8(1).
- Khazraee, E. (2019a). Mapping the political landscape of Persian Twitter: The case of 2013 presidential election. *Big Data and Society*, 6(1), 1–15.
- Khazraee, E. (2019b). Mapping the political landscape of Persian Twitter: The case of 2013 presidential election, 6(1).
- KhosraviNik, M. (2017). Social media critical discourse studies (SM-CDS). In J. Flowerdew & J. Richardson (Eds.), *Routledge handbook of critical discourse studies* (pp. 582–596). Routledge.
- Kruse, L. M., Norris, D. R., & Flinchum, J. R. (2017). Social Media as a Public Sphere? Politics on Social Media. <https://doi.org/10.1080/00380253.2017.1383143>, 59(1), 62–84.
- Meraz, S., & Papacharissi, Z. (2013). Networked Gatekeeping and Networked Framing on #Egypt. *The International Journal of Press/Politics*, 18(2), 138–166.
- Papacharissi, Z., Chadwick, A., & Howard, P. (2009). The virtual sphere 2.0: The Internet, the public sphere, and beyond. *Routledge Handbook of Internet Politics*.
- Papacharissi, Z., & de Fatima Oliveira, M. (2012). Affective News and Networked Publics: The Rhythms of News Storytelling on #Egypt. *Journal of Communication*, 62(2), 266–282.
- Peddinti, S. T., Ross, K. W., & Cappos, J. (2017). User Anonymity on Twitter. *IEEE Security and Privacy*, 15(3), 84–87.
- Recuero, R., Zago, G., & Soares, F. (2019). Using Social Network Analysis and Social Capital to Identify User Roles on Polarized Political Conversations on Twitter. 5(2), 205630511984874.
- ShuKai, SlivaAmy, WangSuhang, TangJiliang, & LiuHuan. (2017). Fake News Detection on Social Media. *ACM SIGKDD Explorations Newsletter*, 19(1), 22–36.
- Sunstein, C. R. (2001). *Echo chambers: Bush v. Gore, impeachment, and beyond*. Princeton University Press.
- Tremayne, M. (2014). Anatomy of Protest in the Digital Era: A Network Analysis of Twitter and Occupy Wall Street. *Social Movement Studies*, 13(1), 110–126.
- Welles, B. F., & Jackson, S. J. (2019). The battle for #Baltimore: Networked counterpublics and the contested framing of urban unrest. *International Journal of Communication*, 13, 1699–1719.

Zappavigna, M. (2011). Ambient affiliation: A linguistic perspective on Twitter., *13*(5), 788–806.



استناد به این مقاله: قدسی، امیرمحمد، اکبرزاده جهرمی، سید جمال‌الدین. (۱۴۰۱). تویتر به مثابه حوزه عمومی؛ نقش بروکرها در کاهش قطبیدگی تویتر فارسی (مورد مطالعه: ترور سردار سلیمانی و سقوط هواپیمای اوکراینی)، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۸(۳۱)، ۱-۴۶.

DOI: 10.22054/nms.2022.67771.1389



New Media Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License..